

واقعات

چرا دوستان مجاهد

در تهاجم ضد انقلاب جبهه

نیروهای انقلابی را تنها

گذاشتند؟

بدنیاں پیام تهدیدآمیز شورای انقلاب و رئیس جمهوری و مهلت سه روزه جهت اشغال عمومی و کنترل شده دانشگاهها سازمان مجاهدین و انجمنهای دانشجویی وابسته به معاهدین دفاعی و مراکز خود را تخلیه و دانشگاهها را ترک کردند.

معاهدین در شرایطی خود را از جبهه مقاومت نیروهای انقلابی کنار کشیدند که جناحهای مختلف حاکمیت با وجود اختلافاتشان، برای سرکوب و اشغال دانشگاه به نتیجه واحد رسیده بودند در شرایطی که تنها مقاومت عمومی و فشرده میتواند است این وحدت ضربه وارد کرده و آنان را وادار به عقب نشینی و یا شکست نماید. معاهدین صحنه مقاومت را ترک کردند. موضع وحدت طلبانه اولیه بنی صدر در قبال حزب جمهوری اسلامی که بیشتر از تهاجم به دانشگاه و سازمانها و سرکوب دانشجویان بود تنها پس از برخورد با مقاومت قهرمانانه دانشجویان مخالفت جوشی تبدیل شد. بنی صدر که بقول خودش با حزب جمهوری اسلامی تنها در روش و انتخاب زمان سرکوب اختلاف دارد پس از مواجه شدن با اشغال دانشگاه برای اینکه در مبارزه قدرت از رئیس عقب نیفتد کوشید تا اینکار عمل را خود بدست گیرد و لذا با متوجه کردن آتشبار تبلیغاتی سمت نیروهای انقلابی و کمونیست و با پیشنهاد اشغال کنترل شده سعی نمود با موضوع بیگانه ای دیگر برخورد کند. بنی صدر که با بیانه قرارداد " مبارزه ضد امپریالیسم" خود و با دادن دامن زدن به ماجرای عراق نیروی خود را بر روی سرکوب کردنشان و بازسازی اقتصادی و خفه کردن نوراها متوجه کرده بود و بفول خودش میخواست به کارهای عقبه در صفحه بعد

درسگردانشگاه:

نه سازش نه تسلیم نبرد با آمریکا!

آبراس بگیرد. آزادیهای دانشگاه شمره خون و توروتهای دت رزمندگان است که با کمک و دیدان و با خون و حسارت انقلابی دره دره این آزادیها را از چنگال دژخمان شاه و امپریالیزم به در آورده و پاسداری کرده اند.

رژیم در همه بلندگوهای خود توسط تمام بوزه های کشفی که برای تبلیغات علیه این فرزندان بر نور خلقمان بسیج کرده است، از انقلاب فرهنگی دم میرسد و سخاوتهای حرافات دانشجویان را اصلاح کند! خلق ما در اثر تحارب طولانی خود و در صحنه مبارزات سهمگین، دانشگاه را شناخته است. دانشگاه سنگ آزادی بوده و خواهد بود. توده های زحمتکش میهن ما در روزهای جهنمی خفقان دانشگاه طوفنده و بر طپش را شناخته اند و با مبارزات سر تا سر آن آشنا شده اند. توده های ما اینک فریب سمپاشی های حاکمیت در مورد دانشگاه و دانشجویان را نخواهند خورد. رژیم اینبار پشت سر سندان میکوبد. مقاومت قهرمانانه دانشجویان، شکل و یکپارچگی هشیارانه که دانشجویان از خود بروز دادند و حاصل یکسال شرکت در کوران مبارزات خلقمان بود موجب شد که حاکمیت در سر خوردن با اراده بولادین و وحدت انقلابی آنان دچار شکاف شود و عقب نشینی کند. گرچه این عقب نشینی حمله گرانه و برای این است که با تحدید قوا مجدداً در نقطه دیگری تهاجم را شروع کند اما مقاومت سر تا سر دانشجویان آنرا برای حاکمیت تبدیل به یک بحران سیاسی سرسری کرد. اینک نشانه های شکاف در حاکمیت خود را نشان داده است. محره یکپارچه مقاومت دانشجویان موجب شد امری را که حزب جمهوری اسلامی تحقق یافته میبنداشت، تبدیل به بحران خونینی شود که سر تا سر ایران را در بر گرفت. درود بر مقاومت حماسه آفرین دانشجویان که با نثار خون خود با تقدیم چندین شهید صدها مجروح برای چندین سال سوگند وفا داری به خلق زحمتکش را با خون خود مستحکم کرده و صف نیروهای خلق را استحکام تازه ای بخشیدند. درود بر دانشجویان رزمنده ای که در مکتب اتحاد و مبارزه برای حفظ دستاوردهای قیام خونین خلقمان ایمان خود را با خون و آتش صقل دادند.

بار دیگر شکل و آگاهی دانشجویان انقلابی بر افتخار آفرین دیگری تاریخ جنس دانشجویی خلقمان افزود. این نسل قیام بیمن ماه، این فرزندانشان نور و آگاهی و پرور یک نسل انقلابی، در مقابل یورش رده سلان عمال حزب جمهوری اسلامی به سر کردگی شورای انقلاب، قهرمانانه ایستادگی کرده و همچون موج نکل شکوهمندی امواج ارتجاع را به سمت حاکمیت ضد خلقی برگرداندند.

نسل نوین انقلاب که خط فاصل دو رژیم را تحریر کرده است، دانشجویانی که خفقان و آوارترین فضای سرور و وحشت، آریامهری را با سر بلندی و افتخار به بهار کوتاه مدت قیام بیمن ماه تبدیل کردند، دانشجویانی که نه یک هجوم سر تا سر جویان سازمان یافته چند روز گذشته بلکه هجومی در مدتانه گاردهای آریامهری، گلوله بارانهای ۱۴ خرداد، سرکوبهای سالهای ۵۴ و ۵۵ را از سر گذرانده و در آن آندیده شده اند اینک در شرایطی دشوار با پایمردی و استواری و طیفه انقلابی را که تعالیف در برابرشان قرار داده است با شایستگی تحمل میکنند در سنگر دانشگاه نهمازش تسلیم، نبرد با آمریکا.

حاکمیت کوردلانه پنداشته بود که همچون مرداد ماه سال ۵۸ با بسیج سازمان یافته تری از تاریک اندیشترین نیروهای خود میتواند به این سنگر آزادی یورش برده و دستاوردهای انقلابی خلق و دانشجویان را از چنگشان بر بیاورد. پنداشته بود که چون منطق چمقا و حزب الله در مقاطعی کار را از آب در آمد میتواند آنرا به یک ستم سرکوب تبدیل کرده و نیروهای انقلابی را از میدان مبارزه بیرون براند. غافل از آنکه این نسل که سفاکترین ورده بلان تری ستم پلیسی و سرکوب را با جان بازی به زانو در آورده است، هرگز به مثنی مرتجع خادم امپریالیزم اجازه نخواهد داد سرکوب و خفقان را تحت هیچ نکلویها نه ای برداشگاه حاکم گرداند. دانشگاه نه به این دلیل سنگر آزادی لقب گرفت که حاکمیت آنرا بداند مقتدر کرده بود بلکه وجبه و جب خاک دانشگاه در تمام دوران ستم شاهی با خون فرزندان دلیر زحمتکش ایران آبیاری شده است.

آزادیهای دانشگاه عطیه ای نیست که دست آراخته شده باشد و هرگاه خواست

چرا دواستان مجاهد...

اساسی‌تری سیر دارد فعلاً" و در مقطع کنونی اشغال سروزه اینجمنی رادرداننگاه مغایر با هدفهای اساسی خود میدانست و معتقد بود که اینکار نیروهایش را برباکده کرده و هرگز میسر بود این خاطر بر سر نحوه سرکوب دانشگاه و زمانی که سران این سرکوب انتخاب شده بود با حورب جمهوری اسلامی اختلاف داشت، ما اینهمه دیدیم که چگونه بنی‌صدر هنگامیکه منافع حکومتی خود و جمهوری اسلامی ابحاب میکند برای تقویت اردوی عدانقلاب و سرکوب انقلابیون لحظه‌ای بخود تردید راه نمیدهد، بنی صدر با پیشنها ده روز مهلت و نه‌هاجم به دانشگاه در حالیکه خیل جمعیت تحریک شده را پشت سر خود دارد نشان داد که دلش بخاطر این سوخته بود که دمکراسی و آزادی در خطر است بلکه او دوران‌دینی بیشتری دارد، او معتقد به کاراطلی و فرعی است او میگوید فعلاً" کردستان و شوراها مهمتر است، نباید چاره خرد کاری شدولی اگر ناگزیر خرده کاری که در اینجا سرکوب دانشگاه است تحصیل شود منتهم جلاق نیستیم و دست‌کمی از دیگران ندارم - او برای خلاصی از این خرده کاری و برای اینکه این حادثه بیش از اندازه وقتش را نگیرد و ضمناً" با قرار گرفتن ابتکار عمل در دست حزب جمهوری بعقب صحنه رانده نشود خود تقبل میکند که حمله به دانشگاه را شما" رهبری کنید در چنین شرایطی است که تنها یک چیز میتوانناز سوشی نقشه عمومی را با نکتست مواجه سازد و از سوی دیگر اختلافات در بالا را دامن بزند و آن مقاومت فشرده و سازمان یافته همه نیروهای انقلابی و دمکرات در مقابل این توطئه مشترک و افشاگری مستمر و بی‌گبر علیه تمام دست‌اندرکاران آن است. و طبیعی است حزب جمهوری اسلامی بعنوان شروع کننده اولیه و سازمان‌دهنده اصلی این توطئه و کشتار با پدهد ف اصلی حمله ما باشد ولی در همین حال نباید فراموش کنیم خونریزی‌ها و کشتارهای بعدی که صورت گرفت در شرایطی بود که بنی صدر ادعا میکرد کنترل اوضاع در دست خودش میباشد، تنها زمانی میتوان سگی را که ارتجاع برای خرد کردن نیروهای انقلابی بلند کرده است با توان و قوت بیشتری سرباهای خودش فرود آورد که

سروهای انقلابی با همه توان خویش، با همه امکانات خود مقاومت را سازمان دهند، در مقابل نه‌هاجم عدانقلاب استادگی نکنند، شهید بدهند و سفاکی و ددمنشی ارتجاع را با مقاومت فخرمانه و با افشاگریهای بی‌گیرانه خود به مردم نشان دهند.

مناصفانه سازمان مجاهدین در لحظه حماس و سرنوشت سازی از آرایش سفاکی و مقاومت، گل‌گوله و آگاهی در برابر هم‌محنه را ترک کردند - در لحظه‌ای که پیش از هروقت دیگری برای پیروزی انقلاب سر ضد انقلاب برای افشای ما هیبت ضد مردمی عوام‌فریبان و وحدت و یکپارچگی نیروهای دمکرات و انقلابی ضروری بود.

گناه دیگر دواستان مجاهد که نباید از آنچه در مورد دانشگاه پیش آمد بزرگتر است سکوت آنها در مقابل سرکوب کردستان است. رژیم و در رأس آن بنی صدر به بهانه مبارزه با عراق شهرها و روستا های کردستان را خاک و خون میکشد و هر روز با وقاحت تمام آما رشدهای کرد را بعنوان سندا فتخار خود از مطبوعات و رادیو تلویزیون اعلام میکند و سازمان مجاهدین انگار که "اصلاً" واقعه‌ای رخ نداده است در مقابل این قتل و کشتار مهر سکوت بر لب زده اند. سکوت مجاهدین در مقابل سرکوب خلق کرد در شرایطی که بدلیل عوام‌فریبی ضد امپریالیستی رژیم و جوا ایجاد شده در میان بختی از مردم، خلق کرد پیش از هر زمان دیگری به این نیاز مند است که توده‌ها نسبت به آنچه بر آنان میگردد آگاه شوند برای آنان بسیار گران تمام میشود، مجاهدین با توجه به تکیه‌ای که بر بنی صدر دارند و با توجه به اینکه در سرکوب کردستان این بنی صدر است که نقش اول را بازی میکند در این معذور اخلاقی" نسبت به رئیس جمهور قرار گرفته اند در مقابل کشتار و در کردستان سکوت میکنند، نیروهای انقلابی لحظه سرنوشت سازی را میگذرانند در چنین لحظه‌ای ضرورت نزدیکی و وحدت بیش از هر زمان دیگری احساس میشود، در چنین شرایطی انفرادی سیاسی همه جناحهای حکومتی نقش مهمی دارد سازمان مجاهدین بعنوان جزئی از پیکره خلق با بست نسبت به آنچه بر نیروهای انقلابی میگردد

سی‌توجه نباشند، سازمان مجاهدین نمی‌بایست در چنین شرایطی جنبه نیروهای انقلابی را در مقابل نه‌هاجم عدانقلاب تنها بگذارد آنان باید با تمام نیرو این جنبه را تقویت کنند، خلق کرد دنیا زمتدا نیست که به توده ها گفته شود که رژیم به بهانه مبارزه با عراق و به بهانه مبارزه با امپریالیزم دژبایداری خلقهای ایران را سرکوب میکند، خلق کرد دنیا زمتدا نیست که به مردم توضیح داده شود که استقرار ارتش در مرزهای عراق تنها بهانه‌ای برای کشتار در شهرها و روستا های کردستان بوده است، قتل عام قارنا و قهلاتان به مردم توضیح داده شود و عا ملین اصلی آن به توده ها معرفی شوند و برای آنها روشن شود که همه این فجایع بدست حکومتی انجام میگردد که در حالی که خود را مدافع مستضعفان و مخالف امپریالیزم میدانند ولی خود با سرکوب دانشگاهها، با سرکوب خلق کرد و شوراها بزرگترین خدمت را به امپریالیزم انجام میدهد. مجاهدین با توجه به امکانات و نفوذ توده‌ای خود نمیتوانند بی‌سور و پشیمان خوبی برای خلق کرد و دیگر نیروهای انقلابی باشند. دواستان مجاهد می‌بایست به وظیفه‌ای که در لحظه کنونی متوجه آنهاست بخوبی آگاه باشند آنان باید توجه داشته باشند که اختلافات با حکومت گران نه سر بر تقصیر های متفاوت از اسلام بلکه اساساً" در این است که حکومتگران در مقابل توده‌ها و مجاهدین در کنار توده‌ها هستند. اتهام کفر و الحاد و التقاطی بودن به مجاهدین نه بخاطر تصحیح اسلام آنها بلکه قتل از آن خاطر کردندشان از توده‌ها و قرار دادشان در کنار حکومتگران است. مجاهدین نمیتوانند با دوری گریزیدن از کمونیست‌ها از این اتهام حکومتگران در امان بمانند و مجاهدین خود به‌خود میدانند که نقطه وحدتشان با نیروهای انقلابی و کمونیست‌ها علی‌رغم اختلاف ایدئولوژیک تنها به این خاطر است که همه آنان نه مدافع حکومتگران بلکه مدافع توده‌ها هستند - آنچه می‌باید مبنا قرار گیرد رابطه نیروها با توده‌هاست و ایدئولوژی‌ها در این رابطه است که معنا و مفهوم واقعی خود را پیدا میکند. ●

مقاومت در برابر یورش ارتجاع، دفاع از دستاوردهای انقلاب است